

## ندای اصفهان

### کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة المسافر- شروط قصر نماز (جلسه دوم)

کد خبر: 133478

26 اسفند 1399 در ساعت 8:17 ق.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (زید عزه) مورخ یکشنبه ۱۲/۱۱/۹۹ به نظر طلاب و علاقه مندان می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة المسافر- شروط قصر نماز- جلسه ۲

\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه مقدمه بحث **صلاه مسافر** هست. صاحب عروه (رض) می فرمایند اقوی آن است که معتبر نیست که ذهاب و ایاب در یک روز باشد چون بعضی گفته اند که اگر چهار فرسخ می رود باید حتماً در یک روز برود و بیاید که مجموعاً هشت فرسخ بشود یا در یک شب برود و بیاید یا اگر مطلق از شب و روز باشد مثلاً دو ساعت از روز برود و دو ساعت نیز از شب برود باز آن هم اشکالی ندارد در صورتی که ایاب با ذهاب به یکدیگر وصل باشد و آنجا در مقصد نایستد و یک شب یا بیشتر نماند. همه اینها را سید رد می کنند و می فرمایند اقوی این است که معتبر نیست که ذهاب و ایاب در یک روز یا در یک شب باشد بلکه اگر قصد داشته باشد که چهار فرسخ برود و چهار فرسخ هم برگردد ولو بازگشتش بعد از ۹ روز باشد یعنی ۹ روز در مقصد بماند و بعد می خواهد برگردد، در این ۹ روز واجب است که قصر بخواند.

در نتیجه می فرمایند که ثمانیه ملفقه مثل ثمانیه ممتده است؛ چطور آنجایی که هشت فرسخ ممتد داشت نماز شکسته می شد، این ثمانیه ملفقه هم همان طور است باز نماز شکسته واجب می شود مگر این که قصد اقامه ۱۰ روز در مقصد یا غیر مقصد بکند. هر جا قصد ۱۰ روز کرد دیگر نمازش کامل است. یکی از قواطع دیگر مثلاً در اثناء کار ایجاد بشود که قواطع سفر را در آینده در ضمن این بحث، در بحث صلاه مسافر ان شاء الله خواهیم گفت.

نتیجه این می شود که اگر در اثناء هشت فرسخ ممتده یک شب یا دو شب بماند در سفر او ضرر نمی زند، در ملفقه هم همین طور است که چهار فرسخ می رود یک شب و یا دو شب می ماند و یا تا ۹ شب می ماند، باید نمازش را قصر بکند و اگر روزه هست باید افطار بکند در عین حالی که اقوی این را می گویند لکن یک احتیاط مستحبی می کنند و آن این است که بین قصر و تمام برای

نمازش جمع بکند و برای روزه هم باید جمع بکند که روزه را بگیرد و باید قضایش را هم بگیرد. در کجا؟ در آنجایی که چهار فرسخ می‌رود و همان روز یا همان شب برمی‌گردند. یک فاصله یک شبی بینش اضافه می‌شود.

### در این فرمایش سید ما چهار نکته را عرض می‌کنیم؛

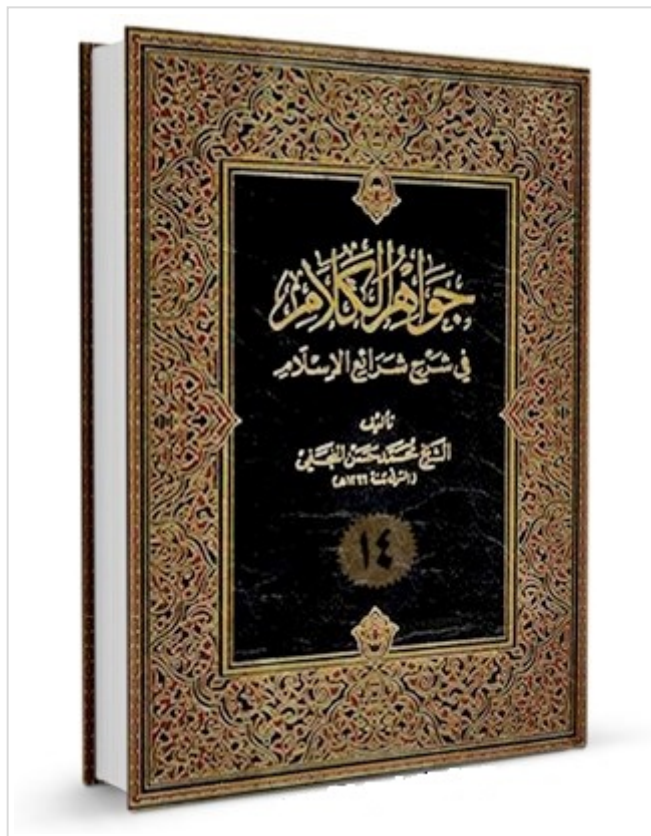
**نکته اول** این است که فرمودند لازم نیست ذهاب و ایاب در یک روز قرار بگیرد، وقتی ما یوم واحد می‌گوییم لیل واحد نیز جزء آن می‌شود و ملحق نیز جزء آن است. این که گفتند لازم نیست ولو یک شب یا چند شب تا ۹ روز اگر بینش فاصله باشد تا چهار فرسخ رفته و ۹ روز می‌ماند و بعد دوباره برمی‌گردد. گفتند معتبر نیست که حتماً ذهاب و ایاب در یک روز قرار بگیرد، این مقتضای اطلاق نصوص تلفیق است.

ما شاید بیش از ۱۵ روایت در این زمینه داشتیم که تلفیق را هم مثل ثمانية الفراسخ می‌دانست. توجه داشتید روایتش را و بعضی‌هایش را خواندم و بعضی‌ها را فقط نشانی‌هایش را گفتم. باب یک و دو و سه روایات فراوان بود که حتی حضرت نهی می‌کردند و ویل می‌گفتند بر کسانی که به عرفات می‌رفتند و اهل مکه بودند و نمازشان را کامل می‌خواندند و فرمودند که سفر از این بالاتر است؟ با این که آنجا چهار فرسخ بود اما در عین حال امام می‌گفتند حتماً باید نماز را شکسته بخواند درحالی که ما می‌دانیم اهل مکه ای که به عرفات می‌رفتند همان روز یا همان شب که برمی‌گشتند و در عرفات می‌ماندند. معمولاً روز هشتم می‌رفتند و شب عرفه را آنجا می‌ماندند و روز عرفه را نیز تا مغرب آنجا می‌ماندند و بعد از مغرب به سمت منا برمی‌گشتند.

و روایات دیگری هم داشتیم که این روایت اهل مکه خیلی صریح و واضح بود. ولیکن روایات دیگری هم داشتیم. روایت هم در مقام بیان تکلیف مکلفین است و درحالی که دارد وظیفه آن‌ها را بیان می‌کند و از طرفی امام قید نمی‌زنند که آیا همان روز برمی‌گردند یا نه؟ این نشان‌دهنده همین است که فرقی نمی‌کند که همان روز برگردند یا برنگردند، نماز شکسته است.

آیت‌الله‌العظمی حکیم می‌فرمایند این روایت اهل مکه در این که آیا همان روز برمی‌گردند یا نه ظهور ندارد و دلالت بر مجرد تقدیر دارد که فقط چهار فرسخ را بیان می‌کند. به ایشان عرض می‌کنیم که نه این بی‌انصافی است که این‌طوری دارید بیان می‌کنید. این روایت‌ها در مقام بیان وظیفه اهل مکه است آن هم کل اهل مکه و کل اهل مکه هم اگر این سخن امام را بشنوند و عمل نکنند و بعد امام بگویند نه من کاری به روز و شب همان روز یا غیرش نداشتم و این را جداگانه باید سوال می‌کردید، این تأخیر بیان از وقت حاجت است و این قبیح است و امام هیچ وقت این کار را نمی‌کند.

**نکته دوم** حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) که نقل می‌کنند آن کسانی که می‌گویند حتماً همان روز باید برگردد تا این چهار و چهار صد هشت فرسخ را بکند، تمسک به این روایت می‌کنند که روایت در پاورقی کتاب جواهر جلد چهاردهم صفحه ۲۲۵ هست که این حدیث را نقل می‌کنند که امیرالمؤمنین (ع) «خرج من الکوفه الی النخيله» و در نخيله «فصلی الظهر رکعتین ثم رجع من یومه» این روایت را گرفتند و می‌گویند ببین امام همان روز برگشته‌اند، درحالی که جوابش این است که این دارد بیان می‌کند که آن روز به نخيله رفتند و نماز ظهرشان را شکسته خواندند و همان روز نیز برگشتند و این دلالت بر این نمی‌کند که اگر امام در نخيله یک شب یا دو شب می‌ماندند دیگر نمازشان را کامل می‌خواندند. این روایت فقط اخبار از عمل امام است که در زمان گذشته واقع شده و دارد خبر می‌دهد که امام رفتند و همان روز برگشتند و نماز را نیز شکسته خواندند.



همچنین استدلال کردند بعضی به حدیث ۱۳ باب ۳ از ابواب صلاه مسافر جلد پنجم وسائل الشیعه صفحه ۵۰۲، روایت این است رفته بازار که خرید بکند منتها نسبت به منزلش چهار فرسخ فاصله داشته، سوال این است می‌گوید اگر با دابّه برود پس تندتر می‌رود و در بعضی از روز به آن بازار می‌رسد و اما اگر با سفن برود معلوم است که در مسیر رودخانه بوده آن یک مقداری طول می‌کشیده و نمی‌توانسته در یک روز به بازار خودش را برساند. امام می‌فرماید آن راکب که همان روز برمی‌گردد او باید روزه‌اش را تمام بکند اما صاحب سفن که با سفن همراه شده او باید نمازش را شکسته بخواند.

این حدیث ابهام زیادی دارد؛ اولاً راکبی که می‌گویند همان روز برمی‌گردد این موصول به منزله تفسیر حرکت دابه است. می‌خواهند بگویند دابه چون تند می‌رود این همان روز برمی‌گردد تا پیش از ظهر می‌رسد و بعد هم خریدش را تمام می‌کند و دوباره برمی‌گردد؛ این تفسیر حرکت دابه را دارند می‌گویند. بعد آمدند در بحث راکب، صوم را گفته‌اند و در بحث سفن نماز را گفته‌اند این هم یک مشکل دیگر است که این تفاوت برای چه چیزی است؟ شما ظاهراً نباید فرق بین این‌ها بگذارید. از این که فرق گذاشتند باید کشف یک چیز دیگر بکنیم، در کجاست؟ که صوم با صلاه متفاوت است؟ در آنجایی که قبل از ظهر برگردد، چون تند رفته و خریدش را کرده و اگر قبل از ظهر به وطن برسد اینجاست که فرق است لذا می‌توانیم این را بگوییم که علت این که امام حکم صوم را گفته‌اند که روزه را بگیرد اما روی نماز حرفی نزده‌اند یا این است که قبل از ظهر به وطن برگشته و یا اصلاً بعد از ظهر از وطن خارج شده است و گذاشته اذان ظهر را گفته‌اند و بعد از ظهر حرکت کرده و با دابه رفته و برگشته است. این بوده که امام روزه را گفتند تمام بکند برخلاف نماز.

راجع به نماز صاحب سفن گفته‌اند که باید شکسته بخواند این به خاطر این است که طول می‌کشیده و پیش از ظهر یا بعد از ظهر فرقی نمی‌کرده و نمازش را مجبور بوده که شکسته بخواند. ما این به ذهنمان می‌رسد اما خوب آن‌هایی که استدلال بر این روایت می‌کنند و می‌خواهند بگویند که حتماً باید همان روز برگردد تا هشت فرسخ صدق بکند این‌ها به یک مشکلاتی دچار شده‌اند از جمله این که آیت الله العظمی حکیم می‌فرمایند باید این‌جا یک نفی در تقدیر بگیریم و ببینید عبارت این است «يَتِمُّ الزَّكَاةَ الذِّي يَرْجِعُ مِنْ يَوْمِهِ» آن‌ها گفته‌اند «يَتِمُّ الزَّكَاةَ الذِّي لَا يَرْجِعُ مِنْ يَوْمِهِ» که این خیلی از ظاهر روایت بعید است.

گفتند آن را کسی که بر نمی‌گردد، تمام می‌کند یک چنین توجیهی کردند، یک توجیه دیگری کردند گفتند همین «یرجع من یومه» باشد منتها گفتند امکان رجوع باشد گفتند یرجع من یومه که در عبارت است را گفته‌اند امکان رجوع داشت ولی در عمل رجوع نکرد.

خلاصه ملاحظه می‌کنید که این توجیهات خیلی بعید از مراد روایت است. ما روایت ایجابیه را منفی معنا نکنیم یا یرجع را به معنای امکان رجوع بدانیم و بگوییم امکان رجوع است ولی رجوع نکرده است. با این احتمالات ما نمی‌توانیم حکم شارع را تثبیتاً و محققاً بگوییم که اگر همان روز برمی‌گردد این نمازش شکسته می‌شود اما اگر بخواد یک روز فاصله بیفتد این چهار رکعت نمی‌تواند سبب قصر بشود. این‌ها را با این روایت‌ها و با این احتمالات نمی‌توانیم اثبات نکنیم اما حدود ۱۵-۲۰ روایتی که داشتیم آن‌ها می‌گفتند چهار فرسخ که می‌رویم مثل ۸ فرسخ امتدادی است که واجب است قصر نکنیم ولو اراده رجوع در آن روز و شب را نداریم. این نکته دوم است.

**نکته سوم:** دو نظریه دیگر هم هست که می‌خواهیم بگوییم آن‌ها هم ضعیف است. یک نظریه قائل به تخییر بین قصر و تمام هست و می‌گوید مخیر است کسی که نمی‌خواهد همان روز برگردد اگر می‌خواهد چند روز بماند، یک روز یا بیشتر بماند و چهار فرسخ رفته گفته اند که بین قصر و تمام مخیر است، اما جالب است که اگر می‌خواهد همان روز برگردد گفته‌اند که باید تمام بخواند. این قول ضعیف است البته قول شیخ مفید و ابن بابویه است.

قول دیگری که یک مقدار باز نزدیک‌تر به پذیرش است باز همین قول تخییر است نسبت به کسی که مرید رجوع لیومه است. نظریه قبلی گفت اراده ندارد که همان روز برگردد و می‌خواهد چند روز بماند آن وقت می‌گفت که مخیر است. این یکی می‌گوید که اگر همان روز می‌خواهد برگردد دو تا چهار تا به یکدیگر وصل می‌شود تازه می‌گوید تخییر است ولی اگر همان روز نمی‌خواهد برگردد متعین است که باید تمام بخواند. این قول هم قول ضعیفی است که دلیلش از بحث‌های گذشته معلوم شد که چرا قبول نداریم.

**نکته چهارم:** یک روایتی است، این هم در کتاب مستدرک هست، ببینیم آیا این روایت می‌تواند دلیل برای آقایانی که می‌گویند حتماً باید همان روز برگردد باشد و چهار و چهار به یکدیگر وصل باشد. کتاب مستدرک از مرحوم نوری جلد ششم صفحه ۵۲۹ حدیث دو از باب ۳ از ابواب صلاه مسافر: حدیث از امام رضا (ع) هست من متن حدیث را می‌خوانم یک مقدار باید در متن حدیث و جوابی که می‌خواهیم عرض بکنیم دقت بکنید...

دقیقاً بحث ما همین است تا چهار فرسخ مسافرت می‌کنید و همان روز هم نمی‌خواهی برگردی. بحث همین است که اگر نمی‌خواهی برگردی آیا باز هم نماز شکسته است یا نه؟ روایت‌ها که می‌گفت فرقی نمی‌کند باید شکسته بخوانیم اما این‌جا حضرت می‌فرمایند این که می‌خواهد یک روز یا بیشتر بماند این چهار فرسخ بینش فاصله می‌افتد و امام می‌فرمایند که شما مخیر هستید که نماز را شکسته یا تمام بخوانید.

ادامه روایت دیگر از بحث ما خارج است، مثلاً سه فرسخ می‌خواهی بروی اما آنچه الان مورد اختلاف است این است که چهار فرسخ رفته و وصل به برگشت نمی‌کند این را حضرت می‌فرمایند که مخیر هستید، درحالی‌که ما گفتیم مخیر نیست و باید شکسته بخواند و ۱۰-۱۵ روایت گفتیم که باید شکسته بخواند.

ما دو جواب از این بحث داریم که بالاخره این روایت را چه جوابی بدهیم؟ اولاً می‌گوییم اگر روایت‌ها تعارض داشت و مثلاً یک روایت می‌گوید مخیر هستی و روایت‌های دیگر می‌گویند که باید شکسته بخوانی، وقتی تعارض کرد اولین مرجع «شهرت» است. مشهور از حیث روایت، روایتی است که متعین قصر را می‌گوید پس آن روایت‌ها بر این یک روایت مقدم است.

یک جواب دیگر هم عرض می‌کنم، اینکه بر فرض نگوئیم به تقدیم آن ۱۵-۱۰ روایت و باز هم می‌گوئیم آن روایت از حیث بحث اصولی مقدم است، یعنی از نظر فتوایی اگر نتوانستیم فتوا بدهیم که بالاخره تعیناً قصر یا تخییر است، می‌گوئیم که در مقام عمل باید بگوئیم که شکسته بخواند، چرا؟ به خاطر این که امر دائر بین تأخیر و تعیین است و در اصول خواندیم که اگر تعیین را عمل بکنی قطعاً براءت ذمه می‌شود اما اگر کامل خواند قطع به براءت ذمه ندارد.

لذا هر جا دوران بین تعیین و تخییر است می‌گوئیم عمل به تعیین بکن چون تعیین را هر دو گروه قبول دارند اگر شکسته خواندی هر دو گروه می‌گویند که درست است اما اگر تمام خواندی مشهور می‌گویند که نماز باطل است و فقط یک روایت داریم که می‌گوید صحیح است. این هم جواب دومی که ما از نظر اصولی می‌دهیم.

آخر این مقدمه صاحب عروه یک جمله دارند می‌فرمایند «لو كان من قصده ذهاب و اياب» اگر قصد این آقا این است که برود و برگردد ولیکن در اقامه در اثنا یا عدم اقامه متردد است که آیا من ده روز می‌مانم یا نه؟ آنجایی که یقیناً می‌خواهد بماند نمازش کامل است و آنجایی که نمی‌خواهد بماند نمازش شکسته است. حالا اگر در مقصد چهار فرسخی متردد بود که آیا ۱۰ روز بمانم یا نمانم، می‌فرمایند اگر متردد نبود دیگر شکسته نخواند، در امتدادیه نیز همین طور است که هشت فرسخ رفته و شک در اقامه ده روز دارد آن هم همین طور است، این مسئله در آینده بحثش مطرح خواهد شد. توضیحش این است که همان طور که قصد اقامت منافات با بحث سفر دارد و کسی که ده روز می‌ماند باید نمازش را کامل بخواند، تردد در اقامت هم همین را بیان می‌کند. این بحث در شرط رابع خواهد آمد (چند روز دیگر به آن خواهیم رسید) آن جا توضیح می‌دهم که یا تردید در نیت اقامه گاهی دارد یا مرور بر وطن دارد و قبل از این که به هشت فرسخ برسد خلاصه از وطنش رد می‌شود، به محض این که به وطن می‌رسد قطع سفر می‌شود و این جا قصد سفر محقق نمی‌شود.

احتمال تردید چند حالت است؛ یکی آنجایی که یقین دارد نیت اقامت را که مشخص است که باید نماز را کامل بخواند. یک صورت این است که تردید دارد آیا اقامه بکنم یا نه؟ این را هم باز می‌گویند که نماز کامل است و یک صورت هم احتمال است مثلاً ۵-۱۰ درصد احتمال می‌دهد که نیت اقامه بکند مثلاً فرض بکنید که احتمال می‌دهد که مریض می‌شود و ۱۰ روز بماند.

می‌گویند اگر احتمال اقامت احتمالی است که عقلاً به آن اعتنا نمی‌کنند، مشکلی ندارد و مانع نمی‌شود و قصرش محقق است. توضیح اجمالی اش این است و در آینده توضیح بیشتری می‌دهم و راجع به آن صحبت می‌کنیم.

باید بگوئیم ادله داریم که اولاً نمازهای ظهر و عصر و عشا که باید چهار رکعتی باشد از این قانون کلی ما خارج می‌شود آنجایی که مصلی قصد ثمانیه الفراسخ دارد یا اربعة الفراسخ ذهاباً و جائیاً و این هم که مشخص است. بعد از این نکته استثنا می‌شود و خارج می‌شود آنجایی که شخص هشت فرسخ می‌رود اما ناوی اقامت هست. اگر قصد اقامت دارد کسی که مثلاً از اصفهان به مشهد می‌رود وقتی آن جا می‌رود، باز این قطعاً دیگر مسافر نیست ولو آن جا وطنش نیست ولی همین که نیت کرده ۱۰ روز یا بیشتر بماند باید دیگر نماز را کامل بخواند.

صورت شک در اقامه یعنی شک در صدق سفر، شک در این است که آیا قصد مسافر محقق هست یا نه؟ وقتی که شک دارد بر تمام باقی می‌ماند تا قصر ثابت بشود. این دلیلشان است می‌گویند خب قبلاً نماز چهار رکعتی بود و باید اثبات بشود که این آقا مسافر است تا نمازش شکسته بشود و با تردید در اقامت شک داریم که آیا نمازش شکسته است یا نه؟ ان شاء الله بحث و توضیحش را در آینده خواهیم داد.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: جواد جلوانی، درس خارج فقه، روایت، سفر، سید ابوالحسن مهدوی، مدرسه علمیه صدر بازار، نماز مسافر

---

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.